

- سینما به روایت هواردهاکس
- جوزف مک براید
- ترجمه پرویز دوایی
- نشر نی، ۱۳۸۱

«کار من فقط داستان گفتن است. زیاد راجع بهش فکر نمی‌کنم. تجزیه و تحلیل نمی‌کنم. کار من براساس این واقعیت است که اگر از کسی خوشم بیاید و به نظرم آدم جذابی برسد می‌توانم کاری کنم که برای دیگران هم جذاب باشد. اگر چیزی به نظرم خنده‌دار برسد تماشاچی هم به آن می‌خندد. اگر چیزی را دراماتیک تشخیص بدهم برای تماشاچی هم همین حکم را پیدا می‌کند. از این جهت واقعاً آدم خوش‌شانسی هستم. نمی‌نشینم که تجزیه و تحلیل کنم. ما فقط صحنه‌هایی را درست می‌کردیم که ساختن‌شان لذت داشت.»

اثر حاضر تحت عنوان سینما به روایت هواردهاکس، مجموعه‌ای است شامل نه جلسه جداگانه بحث و گفت‌وگو با وی در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ که به ترتیب در فستیوال فیلم شیکاگو ۱۹۷۰، موزه‌ی هنری محلی لوس‌آنجلس ۱۹۷۴، ۱۹۷۵ در منزل هاکس و در ۱۹۷۷ در گوناپیچ برگزار شده است. در برگردان گفت‌وگو به نوشته به تدوین به صورت آزاد انجام شده و سؤال و جواب‌ها به شکل روایتی پیوسته از زندگی حرفه‌ای هاکس مرتب شده است. مطالب نیز عمدتاً بر حسب تقدم و تأخر زمانی ترتیب یافته است.

امروزه کیست که با سینما الفتی داشته باشد، و چند فیلم هاکس را در ویتترین فیلم‌های برگزیده‌ی خود قرار نداده باشد، فیلم‌هایی چون: صورت زخمی، قرن بیستم و ساحل بارباری و پیاو بگیرش و بزرگ کردن بچه و دخترک منشی همه کاره‌ی او و گروهیان یورک و خواب بزرگ و بگیر و بیا تا رود سرخ، سرزمین فراغه و ریوبراوو و آخرین کارش الدورادو... امتیاز و ویژگی عمده‌ی هاکس، شاید آشنا و علاقمند ساختن یک تماشاگر تصادفی سینما و یک بیننده‌ی غیرمتخصص، با سینمای خوب به بهانه آثار مفرح و گیرای خویش است. تا بعدها شاید این شناخت و آشنایی جدی‌تر و این بیننده عادی پای بندتر به سینما شود و برود تا برسد به آثار جدی‌تر و فیلم‌هایی با موضوع‌های آشکارا مهم‌تر. در واقع کار هاکس این بود که بیننده‌ی آگاه و متوقع سینما را در کنار مثلاً یک پسر بچه‌ی بیخ فروش نشانده و به هر دو بر حسب انتظارشان از سینما، از سرچشمه‌ی زندگی بخش اثرش فهم و فکر یا لذت بچشانند تا شاید آن کودک نیز به سرنوشت محتوم خویش تن نداده و از جای برخیزد و از مرزها و افق‌های آشنایش درگذرد.

هاکس هرگز تلاش نکرد تا با فیلم‌های آگاهانه و عمداً مهم برای خود اعتباری بخرد، بلکه به ساخت فیلم‌هایی صریح، لذت‌بخش و بی‌ادعا و تماشاگرپسند اکتفا کرد. فیلم‌های او، با یک گروه افراد حرفه‌ای سرو کار دارد که می‌کوشد وظیفه‌ای دشوار را در عین حفظ قواعد رفتاری بسیار دقیق به انجام رساند. آدم‌های او شامل خلبان، شکارچی، کارآگاه و ششلول‌بند و روزنامه‌نویس در جامعه‌ای محدود فعالیت دارند که در آن معیارهای رفتار شخصی را مهارت حرفه‌ای، وفاداری به جمع و مناعت طبع تشکیل می‌دهد.

فیلم‌های هاکس به ندرت درونمایه‌های خود را به شیوه‌ای جدی و زمخت بازگو می‌کند. از تناقض‌های آثار او می‌توان به این نکته اشاره کرد که فیلم‌های دراماتیک او اغلب از فیلم‌های کمدی‌اش بسیار خنده‌آورتر است. تمامی فیلم‌هایش از طنزی بازیگوشانه به مقدار زیادی بهره برده است. حس طنز در او بیش از عملکرد و تمایل او به سرگرم کردن است. طنز او جزیی از نظر او درباره‌ی هستی انسان است. در آثارش کمدی و تراژدی درهم آمیخته‌اند. او نظر اخلاقی‌اش را از طریق بینش و نقطه نظر کمدی بیان می‌کند. هاکس به مکتب فیلمسازان غربی وابسته نیست و هر کاری که می‌کند به دقت بر روی آن فکر شده است.